«آسیب شناسی زبان زنان و مردان: چرا زنان متفاوت تر از مردان سخن می گویند؟۱»

به قلم: نیما خرم روز

بخش پایانی

کافی است جست جوی مختصری در فضای اینترنت داشته باشید تا متوجه ی انبوهی از مطالبی شوید که همگی در راستای آداب و اصول صحیح صحبت کردن نوشته شده اند. تارا مُهر۲- نویسنده ی کتاب "پلی اینگ بیگ" و بنیان گذار پروژه ای با همین نام که هدفش توانمند ساختن زنان در جامعه می باشد - معتقد است دختران و زنان یاد گرفته اند تا به طرق مشخصی که مرسوم و مقبول جوامع آن هاست صحبت کنند. ایشان آموخته اند با گفتارشان موجبات رنجش کسی را فراهم نکرده و در هر حالی به گونه ای سخن بگویند که در نظر دیگران دوست داشتنی جلوه کنند.

اساسا باور کلی ای که در رابطه ی با زبان زنان و مردان وجود دارد بر این اصل استوار است که این دو جنسیت از زبان متفاوتی به جهت ارتباط گرفتن با دنیای بیرون استفاده می کنند. این باور به قدری در گفتمان های فرهنگی جوامع مختلف ریشه دوانید که در دهه ی ۹۰ میلادی کتابی به نام " مردان مریخی، زنان ونوسی" نوشته شد و سریعا جای خود را در بین کتاب خوان های علاقه مند به این حوزه باز کرد. کتاب فوق با تکیه بر همین ادعا که زنان متفاوت تر از مردان صحبت می کنند سعی داشت سخنانی چند در باب رابطه ی بین زن و مرد مطرح کند.

در سال ۲۰۱۴ پانتین- برند سوییسی-آمریکایی معروف در زمینه ی تولید لوازم مراقبت از مو و میکاپ - آگهی تجاری ای را تهیه دید که در سرتاسر این ویدئو بانوان برای هر عمل و عکس العملی از دیگران بارها و بارها عذرخواهی می کردند. آگهی مورد بحث با این پرسش آغاز می شد که چرا زنان همیشه در حال عذرخواهی کردنند؟

دکتر جنت هولمز۳- زبان شناس معروف نیوزیلندی - که از صاحب نظران حوزه ی زبان و جنسیت است؛ نظرات جالبی در ارتباط با تفاوت های زبان زنان و مردان مطرح می کند. وی که دارای سابقه ی مطالعاتی درخشانی می باشد، در یکی از مهم ترین پروژه های مطالعاتی خود به نام " زبان در محیط کار۴" به شکل مشخص به مطالعه ی زبانی پرداخته که زنان و مردان در محیط های کاری استفاده می کنند. هولمز ۲۱ سال از عمر خود را معطوف این پروژه ی عظیم کرده و در تمام این سال ها به بیش از ۳۰ مکان اداری سر زده است و غالب بر ۲۰۰۰ مکالمه یی که در محیط های مختلف کاری رخ داده را ضبط و آنالیز کرده. او در پس مطالعات عمیقی که در راستای تفاوت های احتمالی بین زبان زنان و مردان انجام داده معتقد است که جامعه های انسانی فشار زیادی بر افراد وارد می دارند تا به طریقی سخن بگویند که مورد قبول همان جوامع باشد. وی با اشاره به انتظارات جوامع بشری از هر فرد؛ به بحث مربوط به فشار تحمیل شده بر افراد می پردازد و تصریح می کند که یکی از این فشارها؛ فشاری است که جامعه های انسانی بر نحوه ی صحبت کردن مردان و زنان وارد می گرداند و این فشار به حدی است که مردان را ملزم می کند تا هم چون مردها و زنان را مقید می سازد تا به مانند زن ها سخن بگویند.

تحقیق بی نظیر هولمز بر تفاوت های زبان زنان و مردان؛ پرده از باورهای غلطی برمی دارد که در اذهان عامه در پیوند با زنان و مردان نقش بسته اند. این قبیل باورهای غلط در کلیت به نوع نگاهی برمی گردند که افراد نسبت به زبان زنان دارند. بر مبنای این مدعا دکتر هولمز انتظارات غلطی را که افراد از زنان به هنگام سخن گفتن دارند در موارد زیر خلاصه می کند:

او معتقد است که اکثر افراد؛ زنان را بیشتر در نقش یک میانجی می بینند که در حین گفت و گو، سایرین را دعوت می نمایند تا به هر بحثی ورود کرده و اظهار نظر نمایند. هولمز هم چنین بر این باور است که عامه ی مردم دوست دارند زنان در طی یک مکالمه بیشتر به حمایت از نظرات غالب جمع بپردازند و تا حد امکان از ارائه ی مطالب جنجالی خودداری کنند.

در نقطه ی مقابل؛ جنت هولمز انتظارات جوامع از زبان مردان را در موارد زیر بازنگری می کند:

او باورمند بر این اصل است که مردان از زبانی به مراتب تهاجمی تر استفاده کرده، کلامشان خیلی علنی تر و بی پرده تر از زنان است و سخنان سایرین را به شکلی مداوم قطع می کنند و در بیشتر مواقع در رقابت با دیگران به سر می برند و به طور مستمر در تلاش اند تا حرف خود را بر کرسی بنشانند.

هولمز در گفتگویی که با رادیو بی بی سی دارد گذری به سال های آغازین فعالیت پروژه ی فوق الذکر می زند و در خلال مصاحبه اش می گوید: "۲۰ سال پیش که کار تحقیق بر تفاوت های زبان زنان و مردان را آغاز کردم؛ متوجه ی الگوی مشخصی شدم که پژوهشگران از آن به جهت آنالیز زبان این دو جنسیت استفاده می کردند و این الگو چیزی نبود جز این که زنان چنین سخن می گویند و مردان چنان. اما وقتی که کار تحقیقاتیم را آغاز نمودم به سرعت دانستم که موضوع به مراتب پیچیده تر از یک دسته بندی کلی زنان و مردان است و زنان و مردان از المان های زبانی ای در گفتگوهایشان استفاده می کنند که بسیاریشان به طور سنتی به عنوان المان های مشخص زبان مردها - که می بایستی فقط توسط ایشان استفاده شود- و المان های مشخص زبان زنان - که بر طبق باورهای غلط سنتی صرفا مختص زبان زن هاست - معرفی می شدند".

نتایج ارزشمندی که هولمز در پیوند با مطالعاتش بر زبان زنان و مردان بدست داده و در بالا ذکرشان رفت؛ سالیان بعد توسط مطالعات میدانی ای که پرفسور دِبرا کامرون۵ - زبان شناس معروف انگلیسی- انجام داد مورد تایید قرار گرفت. کامرون که از اساتید برجسته ی حوزه ی زبان و جنسیت در دانشگاه آکسفورد است؛ از دهه ی ۱۹۸۰ میلادی تا به امروز مستمرا به تحقیق بر زبان زنان و مردان مشغول می باشد. او نویسنده ی تعدادی از مهم ترین کتاب های این حوزه ی زبان شناسی از جمله کتاب "افسانه ی مریخ و ونوس۶" است. کامرون رویکرد مشخصی در ارتباط با تفاوت های زبان زنان و مردان دارد. او معتقد است که اساسا تفاوت های زنان و مردان تا حد بسیار زیادی محسوس نیستند. بر طبق این تعریف نمی توان نگاهی کلی به مقوله ی این دو جنسیت داشت زیرا تفاوت هایی که مردان با مردهای دیگر و زنان با سایر زن ها دارند به مراتب بیشتر از تفاوت هایی است که بین مرد و زن یافت می شود.

اگر بخواهیم نظر دکتر کامرون را بپذیریم؛ پرسش مهم قابل طرح این خواهد بود که با وجود شباهت های زیاد زنان با مردان چرا عامه ی مردم اعتقاد به متفاوت بودن زبان زنان با مردان دارند؟

کامرون معتقد است که بخشی از این باورهای غلط عامه به مقوله ی مهمی در روان شناسی به نام "سوگیری تاییدی۷" بر می گردد. او در ادامه ی بحث خود با اشاره به این موضوع روان شناسی اذعان می کند که افراد متوجه ی چیزهایی می شوند که انتظار رویتشان را دارند و غالبا از چیزهایی که منتظر دیدنشان نبوده اند به سادگی گذر می کنند. به عبارت دیگر هر فرد تمایل زیادی به جستجو کردن در اطلاعات یا تعبیر نمودن آن ها به نحوی دارد که باورها یا فرضیه‌ های خودِ شخص را تأیید کند و این باورها و فرضیه های فرد الزاما دقیق نیستند و با جهان واقعی قرابتی ندارند.

پرفسور کامرون با گریز به مطالعاتی که بر فرهنگ ها و خرده فرهنگ های بشری شده؛ مخاطب را متوجه ی افسانه ها و باورهای غلطی می کند که در تمامی فرهنگ ها در پیوند با تفاوت های زبان زنان و مردان موجود است. او با اشاره به فرهنگ حاکم در کشور ماداگاسکار ابراز می دارد که مردان در این کشور از زبانی پر ایهام استفاده کرده و مفاهیم مورد نظرشان را به شکلی غیر مستقیم عرضه می کنند. این نوع از سخنوری مردان در فرهنگ کشور فوق الذکر بسیار مطلوب افتاده است و پرستیژ خاصی نیز برایشان به ارمغان می آورد. در نقطه ی مقابل؛ زنان در این کشور بی پرده تر سخن می گویند و بنابراین بسیاری از امور مربوط به معشیت خانواده که نیازمند بهره گیری از زبانی قاطع و صریح هست به وسیله ی زنان انجام می پذیرد.

مطالب ذکر شده در بالا محدود به فرهنگ حاکم ماداگاسکار است زیرا فرهنگ هر اقلیمی باورهای خاص خودش را در رابطه ی با زبان این دو جنسیت دارد. باورهایی که تا حد زیادی غلط و اشتباه هستند. برعکس انتظاراتی که عامه ی مردم ساکن ماداگاسکار از زبان زنان و مردان در این کشور دارند؛ در فرهنگ های حاکم کشورهای غربی انتظارات عامه کاملا حول این محور می چرخد که زنان باید به شکلی دیپلمات گونه و غیر مستقیم سخن بگویند و مردان باید بی پرده و صریح تر صحبت کنند.

اگر بخواهیم مطالب مطرح شده در بالا را تا حد بسیار زیادی درست قلمداد کنیم؛ شاید بتوانیم به این نتیجه گیری کلی برسیم که فارغ از این که زنان در کدام نقطه ی جغرافیایی زندگی کنند و از چه استایل زبانی ای بهره ببرند، همیشه در معرض قضاوت شدن هستند. کامرون در مصاحبه اش با رادیو بی بی سی ضمن تایید این موضوع؛ با صراحت به این باور غلط اشاره می کند و می گوید: " در سطح کلان برداشت ناصوابی نسبت به زنان وجود دارد و آن برداشت غلط اینست که هر کاری از طرف زنان و یا بدست ایشان انجام یابد؛ معمولا کم ارزش تر از کاری است که توسط مردان و یا بدست ایشان انجام پذیرد."

حال با در نظر گرفتن این مدعا؛ پرسش قابل طرح اینست که آیا براستی هیچ تفاوتی بین شکلی که زنان و مردان از زبان استفاده می کنند وجود ندارد؟

دکتر کامرون در ادامه ی گفتار خود به پرسش فوق پاسخی صریح می دهد و اذعان می دارد که تنها فاکتوری که بارها توسط تحقیقات دانشگاهی به عنوان وجه تمایز زبان زنان و مردان مطرح شده؛ تمایل مردان به چیرگی بر بحث ها و میل به پرحرفی آن هاست. این مهم در اثر مطالعات عمیق بر زبان زنان و مردان در موقعیت ها و شرایط گوناگون حاصل شده. داده های مربوط به این تحقیقات از منابع مختلفی هم چون گفتگوهای خصوصی مردان و زنان در محیط خانه تا صحبت هایی که در اماکن عمومی هم چون محیط های اداری و یا حتی گفتمان های سیاسی انجام پذیرفته جمع آوری شده است. کامرون در ادامه با بیان تحقیقی که چندی پیش توسط دو پژوهشگر علوم سیاسی در آمریکا صورت گرفت؛ مخاطبان خودش را با وجوه دیگری از باورهای نادرست عامه در خصوص زبان زنان و مردان آشنا می سازد. در این تحقیق، پژوهشگران؛ شرکت کنندگان را در گروه های مختلفی قرار داده و از افراد حاضر تقاضا کرده بودند تا در مورد مسائل روز سیاسی با هم بحث و گفتگو کنند. به جهت این که نتایج این تحقیق یک سویه و یا جانبدارانه نباشد؛ پژوهشگران، شرکت کنندگان زن و مرد را به طور چرخشی در گروه های مختلفی قرار می دادند و حتی در مواردی مشخص توازن بین افراد گروه ها را بهم می زدند بدین معنا که گاهی تعداد شرکت کنندگان مرد را بیشتر از زنان (مثلا یک زن در مقابل چهار مرد) و یا تعداد بانوان داوطلب را بیشتر از مردان حاضر در گروه (مثلا یک مرد در برابر چهار زن) می کردند. نتایجی که از پس این تحقیق بدست آمد قابل تامل بود زیرا پژوهشگران این تحقیق متوجه شدند که زنان حاضر در گروه های مختلف سهم بسیار کم تری در بحث های مطرح شده داشتند و این خود بدان معنی است که مردان بیشتر از زنان سخن گفته و وقت بیشتری را به خود اختصاص داده بودند. در همین تحقیق، پژوهشگران متوجه شدند که تنها در یک مورد زنان بر بحث ها غالب تر بوده اند و آن زمانی بوده که نه تنها تعداد زنان حاضر در گروه ها بیشتر از مردان بوده بلکه به طور چشمگیری فزون بر مردان بوده و این بدان معنی است که تا وقتی تعداد زنان در یک گروه غالب بر تعداد مردان نباشد؛ معمولا مردان بر بحث ها چیرگی بیشتری خواهند داشت.

تحقیق جنت هولمز نیز اطلاعات مشابه ای را در اختیار مخاطبان قرار می دهد. بر مبنای تحقیقی که هولمز انجام داده و جزییاتش به تفصیل ذکر شد؛ تفاوت های اندکی بین نحوه ی صحبت کردن بعضی از مدیران مرد یک شرکت یا نهاد اداری و مدیران زن در همان موقعیت های شغلی وجود دارد. هولمز در گزارشی که پس از جمع آوری داده ها ارائه می دهد به وضوح می گوید که بسیاری از مدیران و روسای مرد ادارات و سازمان هایی که مورد نظر این تحقیق بوده اند در سخنرانی هایشان غالبا از نقش موثر و قهرمان گونه ی خود در جهت اعتلای نهاد ها و یا موسسات زیردستشان صحبت کرده اند. حال آن که مدیران زن در موقعیت های مشابه شغلی در گفتگوهایشان بیشتر به انتقاد از عملکرد خود می پرداخته اند و غالبا از اشتباهاتی که مرتکب شده اند و یا کارهایی که باید انجام می داده اند و نداده اند صحبت به میان می آورده اند.

بحث ما تا بدین جا منحصر به تفاوت های زبان شناسانه ی زبان زنان و مردان در انگلیسی (و اندکی زبان رایج در ماداگاسکار) بود. بر طبق تحقیقاتی که جزییاتشان در بالا مطرح شد؛ می توان به این نتیجه گیری رسید که تفاوت های بین زبان زنان و مردان - اقلا در انگلیسی و زبان رایج ماداگاسکار - حاصل انتظارات جوامع از افراد و نگرشی است که فرد از خود و یا دیگران دارد. با در نظر گرفتن این موضوع پرسش مهم قابل طرح این است که آیا زبان های دیگر نیز تفاوتی بین زن و مرد قائل می شوند؟ و اگر چنین است آیا تفاوت های ملموسی بین گفتار زنان و مردان در زبان های دیگر وجود دارد؟

پروفسور بیارکه فلسویگ ۸- استاد زبان شناس متخصص زبان ژاپنی در دانشگاه آکسفورد- معتقد است در زبان ژاپنی کلمات به خصوصی وجود دارند که غالبا به وسیله ی زنان استفاده می شوند و اساسا به کارگیری این واژگان یکی از مشخصه های زبان زنان است. این دسته از کلمات معمولا در انتهای جملات استعمال شده و برای اصرار ورزیدن بر انجام کاری و یا به جهت نشان دادن اکراه یا تردید در جمله به کار گرفته می شوند. در نقطه ی مقابل؛ کلماتی در ژاپنی موجودند که گفته شده صرفا توسط مردان مورد استفاده قرار می گیرند و استعمال آن ها توسط زنان مرسوم نیست۹. مطلب ذکر شده تنها یک مصداق از شرایطی است که در بطن آن تفاوت های جنسیتی به وسیله ی گرامر زبان اعمال می شود. از دیگر مثال هایی که می توان از تفاوت های جنسیتی در زبان ژاپنی سخن به میان آورد کلماتی هستند که در جهت اشاره به فاعل های "من" و "تو" استفاده می گردند. آن گونه که پیداست بعضی از کلماتی که برای فاعل های بالا استفاده می شوند صرفا به وسیله ی مردان و برخی دیگر منحصرا توسط زنان ژاپنی مورد استفاده قرار می گیرند.

حال اگر نکات مطرحه را بپذیریم و فرضمان را بر این اصل بنهیم که ساختارهایی در زبان ژاپنی یافت می شوند که برای بهره گیری صرف مردان و یا زنان به وجود آمده اند؛ آیا این بدان معنی است که زنان و مردان ژاپنی از هر ساختاری که در اختیارشان باشد (حتی ساختارهای مختص جنس مخالف) نیز می توانند استفاده کنند؟

پرفسور فلسویگ معتقد است نگاه جنسیتی به زبان ژاپنی مبنای متعارفی نداشته و بیشتر مبتنی بر باورهای غلط عامه نسبت به ژاپنی است. هرچند این نوع باورغلط از زبان فوق؛ تا حدی جایش را در نگارش کتاب های درسی کشور ژاپن باز کرد ولی در واقعیت و در صحبت های روزمره ی افراد با یکدیگر؛ این قسم از جداسازی های جنسیتی هرگز توسط ژاپنی ها اعمال نمی شود. این موقعیت تقریبا گیج کننده ی موجود در زبان ژاپنی تا حدی متاثر از تاریخ پرتلاطم کشور ژاپن است:

می دانیم که از ابتدای قرن ۱۷ تا اواسط قرن ۱۹ میلادی؛ ژاپن کشوری به شدت منزوی بود. از میانه ی قرن ۱۹ فشاری که از طرف کشورهای اروپایی و خاصه آمریکا بر دولتمردان ژاپنی به جهت بازگشایی درهای اقتصاد این کشور بر دنیا اعمال شد باعث گردید که ژاپن خط مشی سیاسی خود را تغییر دهد. این تغییر مشی سیاسی سبب شد تا سیاستمداران ژاپن پروژه ی عظیم مدرنیزاسیون کشور را آغاز کنند، پروژه ای که در بطن آن طرح استفاده از زبانی استاندارد در سطح ملی پیش بینی شده بود. در ابتدای فعالیت پروژه ی فوق الذکر (۱۸۷۰-۱۸۶۰) بحث آموزش و پرورش عمومی مطرح گردید. در آن زمان دختران چندان متفاوت از پسران سخن نمی گفتند و پوششان تا حد بسیار زیادی شبیه و مانند پسرها بود. این همسانی در گفتار و پوشش دخترها و پسران مدرسه ای موجبات رنجش بسیارانی را فراهم کرد و افراد زیادی به انتقاد از این همسانی برخاستند چرا که از نظرشان همسانی این دو جنسیت باعث ابتذال در سطح جامعه می شد. این نوع طرز تفکر در میان دختران مدرسه ای (به خصوص در شهر توکیو) نیز رایج بود زیرا به مرور و به شکلی آگاهانه نوعی از زبان گفتار توسط دختران مدرسه ای ابداع شد که تا حدی متفاوت از زبان گفتار مرسوم از جامعه و جنس مخالف بود و در بطن خودش فاصله ی بین جنس زن و مرد را مشخص و معین می کرد.

پرفسور فلسویگ زبان گفتاری را که به دست دختران مدرسه ای ژاپن ابداع شد نوعی از زبان گقتار می داند که جامعه ی آن روزگار ژاپن هرگز روی خوشی به آن نشان نداد و کسانی که گویشی چنین را بر می گزیدند به شدت پس می زد. با این همه هر چه ژاپن بیشتر با جهان خارج آشنا شد، نگرش افراد به زبان این دو جنسیت نیز عوض گردید. در دهه های ۱۹۲۰، ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ که ژاپن بیش از پیش با مفهوم ناسیونالیسم مانوس شده بود؛ باور کلی جامعه به این سمت سوق پیدا کرد که باید یک نوعی از گفتار زنانه که حاوی ظرافت و لطافت باشد مورد استفاده زنان قرار بگیرد و نقطه ی جالب این طرح در این جاست که زبان زنانه ای که در دهه های فوق مورد استفاده ی زنان ژاپنی قرار گرفت تقریبا همان المان های دستوری ای را در خود جای داده بود که دختران مدرسه ای ژاپنی در دهه های ۱۸۶۰ و ۱۸۷۰ بابت استفاده ی از آن ها مورد انتقاد جامعه ی زمان خود قرار می گرفتند.

موارد مطرح شده در بالا مجدد ما را به بحث پیشینمان مبنی بر انتظارات جوامع از زنان و مردان مرتبط می کند. انتظاراتی که تاثیر شگرفی بر رفتارهای زنان و مردان جوامع مختلف بشری دارد. بحث خود را با مثالی از منطقه ی جغرافیایی آفریقای جنوب صحرا ۱۰ که بالغ بر ۱۰۰۰ زبان دنیا را در خود جای داده ادامه می دهم:

دکتر لیلیان لم اتنگو۱۱- استادیار زبان شناس فعال در حوزه ی زبان و جنسیت در دانشگاه بامندا واقع در کشور کامرون و یکی از ویراستاران کتاب زبان و جنسیت در آفریقای جنوب صحرا ۱۲ - معتقد است که نگرش کلی به زنان در منطقه ی آفریقای جنوب صحرا خلاصه درین اصل است که نباید به زنان اجازه ی عرض اندام داد. بخش اعظمی از تحقیقات دانشگاهی دکتر لم اتنگو متمرکز بر چگونگی استفاده ی زبان در پارلمان کشور کامرون می باشد. ایشان در مصاحبه اش با رادیو بی بی سی به تشریح نکات زیر می پردازد:

" پژوهش من بر داده های بدست آمده از پارلمان کامرون حاکی از آن است که نمایندگان مرد به مراتب بیشتر از همکاران زن خود سخن می گویند و این بیشتر صحبت کردن مردها هم در قالب کمیت گفتار و هم در قالب موضوعات وسیعی که مطرح می کنند جلوه گر شده است. در نقطه ی مقابل، هرگاه نمایندگان زن پارلمان تلاش می کنند به مثابه ی مردان سخن بگویند و به اصطلاح در باب موضوعات مختلف اظهارنظر کنند با واکنش های منفی نمایندگان مرد حاضر در جلسات روبه رو می شوند. یکی از مثال های بدست آمده از این رفتار ضد زنانه به زمانی برمی گردد که نماینده ی زنی در اعتراض به تجاوز تعدادی از مردان به یک زن زندانی سخن می گفت و رئیس پارلمان به تعریض و در پیوند با نطق نماینده ی زن گفت: من شکایتم را از تو پیش همسرت می برم. آیا همسرت می داند که تو این چنین در ملاعام سخن می گویی؟ آیا همسرت می داند تو به چه اندازه حراف هستی و مردان را به چالش می کشی؟ کوتاه سخن آن که داده های بدست آمده مرا به این نتیجه رسانده اند که زنان و دختران هرگاه بخواهند در ملاعام سخن بگویند و نقادانه به مسائل بنگرند به طور کلی مورد نکوهش و غضب سایرین قرار می گیرند و این نوع از ملامت و سرکوب صرفا از جانب مردان بر ایشان حادث نمی شود بلکه حتی سایر زنان هم آنان را ملامت می کنند."

مطالعات زبان شناسی حاکی از آن است که جنسیت افراد تفاوتی آن چنانی در تنوع و استایل زبانی که زنان و مردان برمی گزینند به وجود نمی آورد. آن چیزی که تلون بین زبان زنان و مردان را رقم می زند باورهای غلطی است که نوع مشخصی از زبان را برای زنان در نظر گرفته است.

پرفسور دبرا کامرون معتقد است اگر زنان بخواهند از عرف زبانی جوامع خود برهند باید هزینه های سنگینی بپردازند. او در مصاحبه اش با رادیو بی بی سی گریزی به پژوهشی دانشگاهی می زند که چندی پیش انجام شد و می گوید "در طی این تحقیق پژوهشگران بر آن شدند تا عملکرد مدیران زن صنعت تکنولوژی را با عملکرد مدیران مرد همین صنعت مورد ارزیابی قرار دهند. در پایان این تحقیق پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که درصد بسیار چشمگیری از مدیران زن و تعداد بسیار اندکی از مدیران مرد شاغل درین حوزه مورد انتقاد قرار گرفته بودند و زبانشان تهاجمی توصیف شده بود. کلمه ی "تهاجمی" از کلمات بسیار کاربردی در داده های بدست آمده از این تحقیق بود. ببینید که مصمم بودن و ثابت قدمی زنان در رایشان چه تبعاتی برای آن ها به همراه دارد. در کنار داده های بدست آمده در این پژوهش، مطالعات دیگری نیز به این موضوع پرداخته اند.

.Competency Likeability Dilemmaاساسا در روان شناسی مقوله ای وجود دارد به نام

بر مبنای این بحث؛ زنان هرچه قدر با اعتماد تر و شایسته تر جلوه کنند بیشتر مورد نفرت سایرین قرار می گیرند. حال آن که مردان با اعتماد به نفس بالا کمتر مورد قضاوت های این چنینی قرار گرفته و کمتر مورد بی رحمی دیگران واقع می شوند و این یک مصداق بارز تبعیض جنسیتی است."

اگر مطالب گفته شده توسط کامرون را بپذیریم؛ پرسش بنیادین قابل طرح اینست که مدیران زن قدرتمند در مشاغل حساس و

 غلبه می کنند؟ Competency Likeability Dilemmaاستراتژیک چگونه بر مقوله ی

نیکولا مِندِلسن۱۳- معاون بخش اجرایی فیس بوک در حوزه ی اروپا، خاورمیانه و آفریقا- یکی از مدیران ارشد زن در صنعتی است (تکنولوژی) که عمده ی کارفرمایانش مردان هستند. نیکولا استایل خاص ارتباطی خود را اینگونه توصیف می کند: " خیلی مختصر و مفید و خیلی شفاف". وی وقتی گریزی به تجربه های شخصی خود در محیط کارش می زند به یاد می آورد که کلمه ی " تهاجمی" در ارتباط با گفتار او نیز استفاده شده است. خانم مندلسن در مصاحبه اش با رادیو بی بی سی و در پاسخ به شنیدن کلمه ی "تهاجمی" ابراز می کند: " اوایل که در محیط کارم تازه کار بودم وقتی این کلمه را می شنیدم احساس می کردم حق با کسانی است که گفتار مرا اینگونه ارزیابی می کنند اما هرچه در کارم پیشرفت کردم دانستم این کلمه و کلماتی ازین دست به گونه ی متفاوتی برای زنان و مردان استفاده می شوند. برای مردان با بار معنایی مثبت و برای زنان با بار معنایی منفی".

به نظر می رسد تجربه های شخصی نیکولا - علی خصوص آن چیزهایی که در ادامه می آید- تا حدی نظرات دکتر کامرون را در خصوص میل مردان به غالب شدن بر بحث و گفتمان های جمعی تایید می کند:

" به یاد دارم که در ابتدای کارم بعضی مواقع پاسخ مطالب مطرح شده در جلسات را داشتم ولی اعتماد به نفس کافی جهت بر زبان راندنشان را نداشتم و وقتی یکی از مردان حاضر در جمع همان نکته ای را عنوان می کرد که من از گفتنش وحشت داشتم خودم را ملامت می کردم زیرا من آن نکته را به درستی می دانستم. این زمان نیک می دانم که عدم اعتماد به نفس من و زنانی چون من راجع به این مهم است که متاسفانه سخن زنان در جمع افراد مختلف شنیده نمی شود. مردان سخنان زنان را مستمرا قطع کرده و یا فرصت صحبت کردن به ایشان نمی دهند و این اتفاقی است که به کرات در محیط های کاری می افتد. ما زنان را شزطی کرده ایم که صحبت نکنند. اخیرا من در جلسه ای (خارج از فیس بوک) شرکت داشتم و حدود ۱۵ الی ۲۰ نفر در جلسه حاضر بودند. دو تن از مدیران ارشد زن نقطه نظرات خود را ارائه می دادند و تعدادی از مردان حاضر در جلسه به شکلی مستمر سخنان ایشان را قطع می کردند. این وضعیت به قدری ادامه پیدا کرد که دیگر مردان حاضر در جلسه به افرادی که چنین برخوردهایی با دو مدیر زن داشتند نهیب زدند و از آن ها خواستند فرصتی به زنان بدهند تا نظراتشان را مطرح کنند. دلیل اینکه من به بازگویی این خاطره پرداختم صرفا ذکر این مهم بود که این اتفاق در جلسه ای بین مدیران ارشد افتاد. قطعا زنان جوانی که در ابتدای مسیر شغلی خود هستند چالش های بیشتری را تجربه خواهند کرد".

ممکن است خوانندگان این سطور پس از بررسی مطالب عنوان شده در بالا به فکر فرو بروند و از خود بپرسند دانستن این حجم از اطلاعات چه رهیافتی در پی خواهد داشت؟

اگر پرسشی چنین در ذهنتان نقش بسته، باید بدانید که شما در مسیر درستی از سنجش تفاوت های زبان زنان و مردان گام برمی دارید چرا که اول گام؛ شناخت تفاوت های گفتار این دو جنسیت است و گام دوم تلاش در جهت درک این دگرگونی های زبانی. تارا مهر معتقد است همه ی مردم باید به خوبی درباره ی زبانی که در ارتباط با دیگران استفاده می کنند فکر کنند. او در ادامه ی گفتارش همگان را خطاب قرار می دهد و می گوید: "اگر شما کسی هستید که استایل گفتاری دیگران را به سخره می گیرید چون مورد پسندتان نیست از امروز تلاش کنید که چنین نکنید. اگر شما گفتار زنان را با القابی ناپسند توصیف می کنید همینک دست از انجام کاری چنین بکشید. همه ی افراد اعم از زن یا مرد باید دانش خود را از گفتار زنان و مردان بالا ببرند تا زنان زین پس با این شرایط غیرمنصفانه روبه رو نشوند".

دبرا کامرون نیز مخاطبین خود را بر حذر می دارد تا زیاد به مطالبی که در جراید و نشریات زرد مبنی بر این که زنان نباید در حین گفتارهایشان از دیگران عذرخواهی نمایند توجه کنند. او معتقد است که اگر افراد دانش خود از زبان ها را ارتقا دهند متوجه می شوند که مثلا در زبانی چون انگلیسی عذرخواهی کردن همیشه به معنا و مفهوم ملامت کردن خود و یا دیگران نیست. بیشتر مواقع استفاده از کلماتی این چنینی - اقلا در انگلیسی- به معنای ملاحظه ی شرایط طرف مقابل نیز هست.

در انتها تنها به این نکته اشاره می کنم که در افواه عوام این تصور وجود دارد که زنان - اقلا در جوامع غربی- در حین گفتارهایشان بسیار از دیگران عذرخواهی می کنند. اگر چنین باشد - که البته نیست- متر و معیار سنجس این مدعا چیست؟ به عبارت اخری زنان با چه چیزی سنجیده می شوند؟

پاسخ شفاف است: مردان. اما اگر گفتار زنان با مردان سنجیده می شود چرا باید این پیش فرض وجود داشته باشد که مردان متر و معیار سنجش اند؟ اگر بخواهیم این دو جنسیت را با هم مقایسه کنیم - البته در این مقاله به تفصیل اشاره شد چنین امری ناصواب است - چرا زنان را متر و معیار سنجشمان برنگزینیم؟؟؟

پایان

اسامی افراد و فهرست مراجع:

۱) داده های مربوط به این مقاله از برنامه ی "وای فکتور" رادیو بی بی سی جمع آوری شده است. برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

BBC. (2017) ‘Men, Women and Language.’ *The Why Factor*. [Online audio] [Accessed on 10th January 2022] <https://www.bbc.co.uk/programmes/w3csvtbw>

Tara Mohr (۲

Dr. Janet Holmes (۳

The Wellington Language in the Workplace (LWP) project۴)

Professor Deborah Cameron۵)

The Myth of Mars and Venus: Do Men and Women Really Speak Different Languages?۶)

Confirmation Bias۷)

Professor Bjarke Frellesvig۸)

۹) جهت سهولت در درک مطلب از ارائه ی تک به تک کلمات مورد بحث در زبان ژاپنی چشم پوشیده و به طرح کلی موضوع بسنده می نمایم.

Sub-Saharan Africa (۱۰

Dr. Lilian Lem Atanga۱۱)

Gender and Language in Sub-Saharan Africa: Tradition, Struggle and Change (۱۲

Nicola Sharon Mendelsohn۱۳)